



۲۰۲۰/۳/۱۶



بهاء الدین ضیائی

قیام خونین بیست و چهارم حوت هرات



بنیاد حقوق قربانیان

بنام خداوند بزرگ، پروردگار عالمیان

بهاء الدین ضیائی

(تلخیص: بنیاد حق)

بیست و چهارم حوت روزی است که در آن بیست و پنج هزار انسان بیگناه، از زن و مرد و خورد و بزرگ مردم هرات بدست گروه وحشی و ظالمی از حزب دموکراتیک خلق به خاک و خون کشیده شدند. چیزی که مایه حیرت است این است که هرکسی از این جریان تعبیر و تفسیری دارد: شوروی ها این قیام سراسری و این رستاخیز میهنی را به خارج نسبت دادند. عوامل خلق و پرچم به سرمایه داران و فیودالان و ارتجاع نسبت دادند. عناصر بی خبر آنرا به یک حرکت خود جوش و بی هدف نسبت دادند که گویا هیچ انگیزه و اساس فکری و هیچ درونمایه عقیدتی نداشته و فقط بر مبنای احساسات و عواطف براه افتاده است. اما این رستاخیز مردمی و این جهاد فی سبیل الله آغازگر یک حرکت بزرگ بود به سوی نابودی یک اندیشه و یک مکتب و یک ابرقدرت زمان.

هرات از لحاظ جمعیتی پس از کابل دومین و از لحاظ بزرگی و مساحت یکی از چهار شهر بزرگ افغانستان به حساب می آید. از جانب دیگر اگر افغانستان را از جهات بار معنوی آن در نظر گرفته و پیشینه علم و آگاهی، دانش و فرهنگ و شعر و ادب را در آن جستجو کنیم به این نتیجه می رسیم که افغانستان همیشه بر سه ستون بزرگ استوار بوده است، یعنی غزنه، بلخ و هرات. و اما هرات در طول تاریخ و از جهت موقعیت جغرافیائی که در مسیر شاهراه بزرگ ابریشم قرار داشت، نقطه تلاقی تمدن های شرق و غرب به حساب می آمده است. در گذشته های دور گفته می شد که:

«جهان اقیانوسی است و در این اقیانوس مرواریدی است و آن مروارید هرات است.»

از هرات بنام «خاک اولیاء» هم یاد می کنند.

اما پس از انقلاب بزرگ ۲۴ حوت ۱۳۵۷ هرات بنام شهر خون و قیام لقب گرفت و این قیام را عامل اصلی فروپاشی شوروی هم می دانند. هرگاه تاریخ را ورق بزنیم می بینیم که هرات با همه آن پیشرفت های معنوی و مادی بارها مورد تاخت و تاز متجاوزین قرار گرفته و با قبول تلفات انسانی زیادی ویران گردیده است. تجاوز اسکندر مقدونی، چنگیزیان، صفویان، قاجاریان و شوروی ها مشت نمونه خروار است.

روز جمعه بیست و پنجم حوت نیروهای تا دندان مسلح اردو همراه با دسته جاتی از نیرو های پولیس و ملیشه های حزبی در اوایل صبح مسجد جامع بزرگ هرات را اشغال و ماشیندار ها و مسلسل ها را درمناره ها و گلدسته های آن جابجا و از آنجا مردم مسلمان و نمازگذار را هدف قرار دادند و این اولین جمعه ای بود که مردم شریف و مسلمان هرات در طی سالها از ادای نماز جمعه درمسجد جامع هرات محروم گردیدند. بر همین مبنا مولوی بهاءالدین واعظ مسجد جامع هرات فتوای جهاد علیه این نیروهای طاغی را صادر و به مردم ابلاغ نمودند. درچنین اوضاع و احوالی هزاران تن از دهات، قصبات و ولسوالی های دور و نزدیک سیل آسا بسوی شهر سرازیر گردیدند. درحالیکه ده ها تن از سرداران جهاد پیشاپیش آنها درحرکت بودند، وارد معرکه میگرددند و با دست های خالی در برابر تانک ها و طیارات بم افکن و عساکرتا دندان مسلح قرارگرفته و بدون درنگ به پیش میروند و قتل عام می گردند.

ازبین این جمع سید عظیم آقای قتالی دربالای تانک به غنیمت گرفته شده قرارمی گیرد و پس ایراد سخنرانی همراه با تعداد زیادی ازمجاهدان به شهادت می رسند. هم چنین همه آن مبارزین، خصوصاً شاگردان مدرسه جامع در این رستاخیز مردمی چه درفراخواندن مردم به صفوف انقلاب و چه درپیشروی و هدایت مردم بسوی مراکز شیطانی و دولتی سهم به سزایی ایفا نمودند.

سران و بزرگان و افراد سرشناسی زیادی که در سازماندهی قیام ۲۴ حوت نقش اساسی داشتند به شهادت رسیدند. از آن جمله مولوی ملا احمد ساغری خطیب مسجد جامع مولانا عبدالرحمن جامی در این معرکه شهید و حافظ مولوی عبدالرئوف خطیب مسجد جامع نشین و برادرش مولوی عبدالشکور دستگیر و تیرباران شدند. روز یکشنبه بیست و هفتم حوت این رستاخیز مردمی به داخل فرقه هرات کشیده می شود که در اثرآن در داخل فرقه هرات دو دسته گی ایجاد می گردد.

درتاریخ های بیست و هشتم و بیست ونهم حوت دربین نیروهای عسکری حامی مجاهدین و نیروهای وابسته به دولت جنگ های خونینی رخ میدهد، چنانچه تعداد زیادی ازصاحب منصبان فرقه به صف مجاهدین پیوسته و دیپو های سلاح را بروی مردم و همسنگران خود باز نمودند و با تمام توان به نیروهای وابسته به دولت هجوم بردند. قوای هوایی شوروی از داخل آن کشور و بعضاً از میدان هوائی شیندند بمبارد می کردند، در حالیکه قوای توپخانه و تانک ها و زره پوشها از زمین حمله و هجوم برده و بیرحمانه به کشتار ادامه میدادند.

دراین عملیات یک تن از مهمترین صاحب منصبان بنام دگرمن نورمحمد خان که در رهبری قیام فرقه نقش کلیدی را ایفا میکرد، به شهادت می رسد. بنابرگزارش بعضی منابع خبری در پیوستن فرقه به مجاهدین جگتورن محمد اسماعیل، جگتورن علاءالدین، دگرمن نورمحمد، دگرمن محمد رسول بلوچ، دگرمن سلطان احمد، جگرن عبدالعزیز، جگتورن حسام الدین کרוخی، جگرن شایسته، تورن نجیب الله، جگرن سید اسدالله، جگرن شمشیر خان، ضابط سلطان احمد و دگروال انور نقش فعال را ایفا نمودند. این ها با قلع و قمع عناصر وفادار به دولت

دروازه های تحویلخانه ها را باز نموده و اسلحه و مهمات موجود را بین مجاهدین تقسیم کردند. سپس به اتفاق قوماندان های مجاهد ملکی به شهر رو آورده و نقاط مقاومت دولتی را تسخیر کردند. ویلهم نویسنده کتاب گذرگاه افغانستان می نویسد:

«در تاریخ آسیا جنگ هرات در نوع خود بی نظیر بود. این گشت و کشتار ها را تنها با شهرحماه در سوریه میتوان تشبیه کرد. همانگونه که در حمایه مستشاران نظامی روسیه تجربیات قدرت آتش خود را در اختیار رژیم گذاشتند، در افغانستان هم یکتعداد از مستشاران نظامی خود را تحت ریاست جنرال الکسی سپی لف که در جریان اشغال چکوسلواکیا از خود کاردانی نشان داده و تجاری کسب کرده بود، فرستادند تا کاری را از پیش برده بتوانند که نتوانستند. این قیام وحشت زیادی را بر روسها مستولی نمود، طوریکه روزنامه پرودا چندین کشور خورد و بزرگ را به دست داشتن در این قیام مردمی متهم کرد.

بنا بر آمار دقیق در این قیام ها که در بیست و چهارم حوت به اوج خود رسید، بیست و پنج هزار از فرزندان صدیق اسلام جام شهادت نوشیدند، اما به گزارش بعضی از منابع دیگر تعداد این شهدا به چهل و پنج هزار هم رسیده است.

در این قیام عمومی و مردمی در حدود پنجاه و پنج تن از مشاورین و کارمندان شوروی هم که به مأموریت های مختلف اشتغال داشتند، به هلاکت رسیدند.

متن مفصل این مقاله را در صفحه فیسبوک محترم ضیایی میتوانید مطالعه نمایید
دروود به روان پاک شهدای راه آزادی

